

❖ جایگاه نظامی در مثنوی سرایی و شناختی از ❖ ❖ مقلدان مشهور وی ❖

□ محمدتقی خلوصی □

دانشگاه شهید بهمان اهواز

چکیده

مقام ممتاز نظامی در ادب فارسی برکسی پوشیده نیست. این شاعر و سکیم توانا با سرودن مثنویهایی داستانی و بهره‌گیری از داستانهای گذشتگان، طرز نوی را در قالب و معنی بنانهاد.

موفقیت او در آوردن مضامین نو و ابتکاری همراه با تصاویری از زندگی عامه مردم، در نهایت بلاغت و فصاحت، باعث شهرت وی در سالهای بعد گردید. این مسعره را از آنجا می‌توان فهمید که تا پنج قرن بعد از او شاعرانی به تقلید وی به خمسه‌سرایی پرداختند و هنر شاعری خود را به‌نمایش گذاشتند.

در این نوشته اشاره مختصری به مقام شاعری و ویژگی داستانسرایی او در ادب فارسی شده و سپس به تأثیرگذاری نظامی پرداخته شده است.

از آنجا که هدف اصلی ما میزان تأثیرگذاری نظامی بر شاعران پس از خود است، لذا به معرفی مشاهیر مقلدان وی در ایران، هند و آسیای صغیر می‌پردازیم: هرچند در مورد مقلدان نظامی کارهایی انجام گرفته است و همین کارها به‌صورت پراکنده صورت گرفته است و برای کسی که بخواهد درباره مقلدان نظامی تحقیق جامع‌تری انجام دهد مرجع مدونی در این زمینه خاص وجود ندارد. لذا برآن شدیم تا علاوه بر نشان دادن قدرت و مهارت داستانسرایی گنجه به تأثیرگذاری وی بر دیگر خمسه‌سرایان مشهور، بپردازیم و قدمی هرچند ناچیز در شناخت نظامی و مقلدان مشهور وی برداریم.

بمنه و کرمه

بخش اول - جایگاه نظامی در شعر و ادب فارسی

۱: ویژگیهای شعری

نظامی از جمله اندک شعرای دارای مکتب شعری است که با ابتکار خاص خود اسلوب نوی را در مثنوی سرایی پی ریزی کرد «نظامی شیوه‌ای که آن موقع صرفاً ساده‌گویی و برگزیدن الفاظ و اوزان نامطبوع و انتخاب قافیه‌های ناپسند بود، از این راه پاک فرموده، ملک نظم را نظامی داد»^۱:

منم سرو پیرای باغ سخن به خدمت کمر بسته چون سرو بن
سخن چون گرفت استقامت به من اقامت کند تا قیامت به من
همه خوشه چین اند و من دانه کار همه خانه پرداز و من خانه دار
صاحب تذکره هفت آسمان به نقل از صاحب مخزن الفواید می‌گوید:
مثنوی گویی نزد استادان، از جمیع اقسام شعر مشکل است - به خاطر اینکه در مثنوی لفظ تابع معنی است برخلاف قصیده و غزل - و در این فن فردوسی طوسی و خواجه نظامی ید بیضا می‌داشتند^۲. و نیز مؤلف کتاب تاریخ ادبیات ایران می‌گوید:
«می‌توان گفت بعد از فردوسی کسی از سخنگویان در این فن به پایه شهرت او نرسید و او در مثنوی استاد است»^۳

شعر نظامی روان و به‌طور کلی سخن او از تعقید آزاد است با این همه در بعضی موارد عبارات پیچیده در ابیات این شاعر هنرور می‌توان پیدا کرد. شکوه ترکیبات و استحکام جملات به گونه‌ای است که این اشکالات کاملاً ناچیز است.
نظامی در آوردن اشعار حکمی و توحید و اخلاق لطافتی در خور دارد علاوه بر مثنوی مخزن الاسرار در دیگر مثنویات خود در موارد گوناگون از مسائل اخلاقی و حکمی سخن گفته است:

با اینکه سخن به لطف آبدست کم گفتن هر سخن صوابست
آب ارچه همه زلال خیزد؟ از خوردن پرملال خیزد
کم گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو (او) جهان شود پر

۱. مولوی احمد علی احمد، تذکره هفت آسمان ص ۳۸

۲. همان کتاب ص ۳۷

۳. صادق رضازاده شفق تاریخ ادبیات ایران، ص ۲۲۴

لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پرتوان زد
 نظامی در بیان حال احساسات انسانی اعجاز می کند بطوری که هرشنونده‌ای را
 به شگفتی وا می دارد «این قسم از شاعری لطیف‌ترین اقسام شعراست مانند داستان
 اسکندر وقتی که به‌بالین دارا می‌آید که فردوسی و نظامی هردو داستان را آورده‌اند و
 الحق نظامی با بیانی سحرانگیز دقیق و نکاتی را ذکر کرده که هرکس از آوردن مثل آن
 عاجز است»^۱؛

چو در موکب قلب دارا رسید	ز مرکب روان هیچکس را ندید
تن مرزبان دید در خاک و خون	کلاه کیانی شده سرنگون
سلیمانی افتاده در پای مور	همان پشه کرده بر پیل زور
ببازوی بهمن برآموده مار	ز روئین در افتاده اسفندیار
بهار فریدون و گلزار جم	بسیاد خزان گشته تاراج غم
نسب نامه دولت کیقباد	ورق برورق هرسویی برده باد

«اسکندر نامه نظامی»

استفاده و تشبیهی که نظامی به کار می‌برد در اصل مضمون اثر بخشیده تأثیر آن را
 دو چندان می‌کند «استفاده و تشبیه او مخصوص به خود اوست و بسیار ظریف و
 دقیق است»^۲؛

هوا برسبزه‌ها گوهر گسسته زمرد را به مروارید بسته.

از دیگر ابتکارات نظامی شخصیت بخشیدن به موجودات بیجان است صنعتی
 که بارها در شعر حافظ به کار رفته است. نظامی در خسرو و شیرین چنین سروده
 است:

چو یاقوت خورشید را دزد برد	به یاقوت جستن جهان پی فشرد
نهان با شاه می‌گفت آن بناگوش	که مولای توام‌ها حلقه در گوش
چو سرپیچید گیسو مجلس آراست	چو رخ گردید گردن عذرها خواست
قدرت مخیله نظامی باعث گردیده است که یک مضمون را در چندین جا با آرایشهای جدیدی بیاورد، چنانکه طلوع و غروب خورشید را در چند جا با	

۱. شبلی زغمانی، شعرالعجم، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، ص ۲۵۷

۲. همان کتاب ص ۲۴۱

تشبیهات و استعارات تازه‌ای آورده است:

چو یاقوت خورشید را دزد برد
به یاقوت جستن جهان پی فشرد
بدزدی گرفتند مهتاب را
که این برد آن گوهرناب را
و نیز می‌گوید:

که چون آتش روز روشن گذشت
پس از دود شد گنبد تیز گشت
شب از ماه بریست پیرایه‌ای
شگفتی بود نور در سایه‌ای

«بدون شک سعدی موجد غزل است اما روح اصلی غزل که اشعار عشقی و ترانه عشق است ایجاد آن از نظامی است او برای بیان تمایلات و احساسات عشقی و عاشقی الفاظ لطیف و نازک و تشبیهات و استعارات بدیع و تعبیری دلپذیر و نو می‌آورد. چنین بیانی از مقایسه مثنویهای عشقی او با قدما به خوبی ظاهر می‌شود. نظامی مضامین غزل را که عبارت از توصیف معشوق، کرشمه و اصرار و انکار، سؤال و جواب، عجز و غرور و غیره را در شعر خود می‌آورد.»^۱

نکته دیگری که در اشعار نظامی توان یافت، وصف مناظر طبیعت است در داستان خسرو شیرین بارها به این مطلب اشاره می‌کند. «از نظر نظامی طبیعت در تغییر و تحول است... تا آنجا که کوه با آن همه عظمت و ابهت از صفحه هستی سترده می‌شود. زمین لرزه شدیدی که شاید توأم با آتشفشان بوده است و در پایان نتیجه اخلاقی هم گرفته است»^۲...

.... چو در عهد چهل سال از کم و بیش
رسد کوهی چنان را این چنین پیش
تو برلختی کلوخ آب خورده
چرایسی تکیه جاوید کرده
خسرو و شیرین بهروز ثروتیان ص ۱۵۳

بعضی تصویرسازیهای داستانسرای گنجه از زندگی عامه مردم بهره گرفته است و به همین خاطر شعر او در میان توده مردم اثر بخشیده است «هرکسی سر نوشت زندگی خویش را در شعر او می‌بیند. بعنوان نمونه تصویری از دکان ابریشم‌کشی دارد و می‌گوید»^۳.

۱. همان ۲۶۱

۲. حمید محمدزاده «جلوه طبیعت در شعر نظامی» مجموعه مقالات نهمین سده تولد نظامی،

جلد سوم، ص ۱۶۵

۳. برات زنجانی، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی، مقدمه کتاب

قبل از خود مانند فردوسی و سنایی هیچ گونه شکی وجود ندارد که نفوذ فردوسی از حیث مواد در خسرو شیرین، هفت گنبد و در اسکندرنامه هست... با این همه شاعر با زیرکی خاصی از تکرار روایات شاهنامه خودداری کرده است؛ چنانکه از سرگذشت اسکندر هرجا فردوسی به اجمال بسنده کرده است، نظامی به تفصیل ذکر کرده است.^۱

اثر دیگری که نظامی از آن تأثیر پذیرفته است حدیقه سنایی است البته از لحاظ مواد و نه به لحاظ شکل و ترکیبات و عبارات که از این جهت مثنویهای نظامی بر حدیقه سنایی برتری هم دارد.

حاصل کلام اینکه نظامی ضمن احترام به فردوسی و سنایی از تکرار مستقیم سخن آنان خودداری کرده و با نبوغ سرشار خود اندیشه‌های جدیدی را به عرصه علم و ادب عرضه داشته است. «نظامی در سه منظومه از پنج گنج خود برخی از قهرمانان شاهنامه را تصویر کرده است؛ ولی هیچیک از این آثار را نظامی به مثابه نتیجه تأثیر به قلم نیاورده؛ بلکه با مقاصدی نو و اندیشه‌ای تازه دست به کار شده و در نتیجه چنان مکتب ادبی‌ای آفریده که تا زمان ما هم قدرت و نفوذ خود را نگهداشته است.^۲ تأثیرگذاری نظامی بر شاعران بعد از خود به حدی است که شیوه داستانسرایی را تا چند قرن بعد منحصر به خویش کرد و بعد از او تقلید و نظیره‌گویی آثار او شروع گردید. این پیروی و نظیره‌گویی در تاریخ ادبیات ایران سابقه‌ی طولانی دارد «هرگاه شاعری یک اثر ابتکاری و بدیع سروده و قبول عام یافته است شاعران دیگر در صدد تقلید از وی برآمده‌اند... به طوری که یکصد و پنجاه مثنوی به تقلید مخزن الاسرار سروده شده است.^۳

نفوذ نظامی و تأثیر او نه تنها در ایران بلکه در شبه قاره و آسیای مرکزی و عثمانی در طول ادوار شعر فارسی بوده است. «شعرای پارسی زبان بعد از نظامی تا پنج قرن که بازار ادبیات و معارف رونق داشت به خمسه‌سرایی پرداختند و می‌توان گفت هزار خمسه از هزار شاعر بانجام رسید.^۴

حکیم نظامی گنجوی با مثنویهایش چنان شهرت بسزایی به دست آورده که

۱. عبدالحسین زرین‌کوب، با کاروان حله، ص ۱۵۶، ۱۵۷

۲. زندگی و اندیشه نظامی ع مبارز ترجمه حسین صدیق، ص ۵۰

۳. ا. ا. گنجین معانی، تذکره پیمانه، مقدمه کتاب

۴. وحید دستجردی، «مقایسه یک شاعر فوق‌الطبیعه» مجله ارمغان ش ۱، ص ۶، ۱۲۹۹

مرزهای ایران را پشت سر گذاشته و همواره مورد توجه گویندگان و سرمشق سخنوران بوده است «علاقه و وابستگی به نظامی در شبه قاره به حدی است که گویندگان و سراینندگان آن سرزمین در مثنوی نظامی را به چشم استاد و خمسه اش را سرمشق خویش می دانسته اند بعضی در تقلید او به سرودن خمسه ها پرداختند.^۱

تأثیر سخن نظامی و مقبولیت سخن او به حدی است که برای بعضی از شعرا به واسطه مطالعه زیاد آثار او صنعت (توارد) اتفاق افتاده است و حتی بعضی متهم به سرقت ادبی گشته اند. مؤلف تذکره هفت آسمان در ص ۴۶ در این خصوص می نویسد: «کسانی نوشته اند که جامی و امیر خسرو اشعار نظامی را تاراج کرده و از آن خود کرده اند اما نظر مؤلف بر این است که این امر اتفاقی است و نشانه علو طبیعت، شاعری و نزدیکی فکر آنها با سخنسرای گنجه است به عنوان مثال در این شعر امیر خسرو دهلوی توارد مصرع: نظامی گنجوی شده است:

ای صفت بنده نوازندگی از تو خدایی و ز ما بندگی «امیر خسرو»
 دو کار است با فرو فرخندگی خداوندی از تو ز ما بندگی «نظامی»
 به هر حال وسعت و دامنه تأثیر نظامی زمانی شناخته خواهد شد که آثار مقلدان نظامی تصحیح و چاپ گردیده و سپس مقایسه و تحلیل شود. اگرچه درباره نظامی و میزان اثرپذیری مقلدان نظامی و مقایسه آثار آنان با مثنویهای وی مقالات گوناگون نوشته شده است؛ اما در مقایسه با تعداد زیاد آثار مقلدان بسیار اندک است. با این امید که قدمی هرچند کوتاه در شناخت قافله سالار مثنوی گویان و عظمت تأثیر او گامی برداریم به معرفی مشهورترین مقلدان وی می پردازیم:

بخش دوم: گامی در شناخت مقلدان مشهور نظامی

۱- امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵)

بنا به گفته اکثر صاحب نظران، اولین کسی که به تقلید خمسه نظامی پرداخت امیر خسرو دهلوی شاعر پرآوازه هند بود. نام او ابوالحسن و لقب عین الدین و ترک الله بود زیرا پدر او از امرای قبیله لاجین بوده که از ترکهای نواحی بلخ اند.

۱. نور محمدخان «جستاری در نفوذ نظامی در شبه قاره» مجموعه مقالات نهمین سال تولد حکیم نظامی ج سوم ص ۳۷۴

وی در فنون و علوم عربی و فارسی استاد بود و در تصوّف از شیخ نظام‌الدین محمد بداؤنی پیروی می‌کرد و مدت عمر وی هفتاد و چهار سال بوده است. مؤلف تذکره هفت آسمان در صفحه ۶۳ می‌نویسد: «زادبلگرامی نوشته اول کسی که خمسه شیخ نظامی را جواب گفت امیر خسرو دهلوی است سپس خواجوی کرمانی. همچنین در بهارستان جامی آمده است که خسرو در شعر متفّن است، در غزل و مثنوی ورزیده و همه را به کمال رسانیده، جواب خمسه نظامی را بهتر از او کسی نگفته است.

شاعر که خود به برتری نظامی اذعان دارد در تمام مثنویهایش از نظامی به تعظیم یاد می‌کند و او را در این شیوه پیشرو و استاد خویش می‌داند چنانکه در وصف برتری نظامی چنین می‌سراید:

که گنج هنر داشت ز اندازه بیش	هسنر پرور گنجه گویای پیش
سند صافی و درد بر ما گذاشت	نظر چون بر این جام صهبا گماشت
کجا با حریفان برابر شوم	من ار چه بدان می‌گران سر شوم

(خمسه دهلوی، آئینه اسکندری ص ۲۴)

امیر خسرو با وجود تقلید از نظامی و گرفتن قالبها و اصول کار از وی خود نیز تا حدی دارای ابتکار و خلاقیت است. معانی خاص و نازک خیالها و سخنان پر شور عاشقانه سخن او را متمایز از دیگران ساخته است؛ هرچند با سخن نظامی قابل قیاس نیست.

خمسه او تقلیدی از پنج گنج نظامی است؛ اما او در داستانسرایی شیوه خاص خود را دارد این شاعر برای اولین بار سعی کرده است در داستانسرایی راه جداگانه‌ای را انتخاب کند او از وصف داستانهای گذشتگان دست کشید و به داستانسرایی مسائل اجتماعی پرداخت.

امیر خسرو برخلاف نظامی و دیگر مقلدان او دو خمسه سروده است «خمسه اولی او از ابتکار و خلاقیت بیشتری برخوردار است، ولی خمسه دوم او به تقلید نظامی سروده شده است.^۱

خمسه اول او عبارت است از: ۱- قران السعدین (۶۸۸) ۲- مفتاح الفتوح (۶۹۰)

۳- دیول زانی خضرخان (۷۱۵) ۴- نه سپهر (۷۲۰) ۵- تعلق نامه (۷۲۵) آخرین مثنوی تاریخی خمسه امیر خسرو است.

خمسه دوم او که به تقلید خمسه نظامی سروده است عبارت است از: ۱- مطلع الانوار (۶۹۸) شیرین و خسرو (۶۹۸) ۳- مجنون و لیلی (۶۹۸) آئینه اسکندری (۶۹۹) هشت بهشت (۷۰۱)

۲- خواجهی کرمانی

خواجهی کرمانی (۷۵۰ - ۶۸۹) دومین مقلد نظامی در قرن هشتم است. در بهارستان جامی آمده است که: خواجهی کرمانی در تزیین الفاظ و تحسین عبارات کوشش بلیغ دارد لذا او را نخلبند شعرا می‌گویند.^۱

خواجهی کرمانی مقلد نظامی بود، اما در ادبیات او نیز به اقتضای زمانه دارای ابتکار است. دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران می‌گوید: «در آثار خواجهی و علی‌الخصوص سلمان نیز آثار تقلید از نظامی در همه جا به قوت لایح و آشکار نیست؛ بلکه بعضی از داستانها و مثنویهای منظم آنان ابتکاری است.^۲»

مثنویهای خواجهی عبارت است از: «روضه الانوار که در جواب مخزن الاسرار گفته شده است و شامل هفده مقاله در سیر و سلوک است وی پیروی خود را از نظامی چنین بیان می‌دارد:

گرچه سخن پرور نامی تویی	معتقد نظم نظامی نویی
درگذر از مخزن اسرار او	برگذر از جسدول پرگار او
خیز از آن پرده نوایی بساز	برخط آن خطه سرایی بساز
خازن مخزن دل دانای اوست	مخزن اسرار خرد رای اوست
مخزن اسرار حقیقیش دان	روضه انوار الهیش دان

دومین مثنوی او گوهرنامه است که بروزن خسرو و شیرین نظامی است و با این ابیات آغاز می‌شود:

بنام نام بخش نامداران گدای درگه او شهریاران

۱. به نقل از تذکره هفت آسمان، مولوی احمد علی احمد، ص ۷۶.

۲. ج سوم، ص ۹۰۲.

برافرازنده ایوان درگاه که خار از خاره آرد خیری از خار
 سومین مثنوی او همای و همایون است که در بحر متقارب و برون اسکندرنامه
 نظامی سروده شده است بیت آغاز و انجام آن چنین است:

بنام خداوند بالا و پست که از هستیش هست شد هرچه هست
 من این نامور نامه از بهر نام چو کردم به فال همایون تمام
 کنم بذل برهرکه دارد هوس که تاریخ این نامه بذلت و بس
 چهارمین مثنوی او کمال نامه است شامل دوازده باب در سیر و سلوک است این
 مثنوی برون بهرامنامه نظامی سروده شده است و ابیات آغازین آن چنین است:

بسم من لا اله الا هو صنع لفظی وزین معناه
 قادری کو منزهست از عیب صانعی کو مقدسست از ریب
 آخرین مثنوی او سام نامه یکی دیگر از مثنویهای حماسی اوست که در بحر
 متقارب سروده شده است.^۱

۳- عصاره تبریزی

یکی از شاعران مقلد نظامی دو قرن هشتم عصار تبریزی شاعر عهد سلطان
 حسین اویس ایلکانی است. او در تبریز متولد شد و یکی از علما و عرفای دوران
 خود است، وفات او را در سال ۷۷۹ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۹۲ نوشته اند که صحت
 هیچیک از این تاریخها قطعی نیست.

اثر معروف عصار منظومه «مهر و مشتری» است شاعر در این مثنوی ابتکار
 تازه ای از خود نشان داده است؛ هرچند در شیوه بیان و نظم داستان پیرو نظامی
 است.

«عصار تبریزی مهر و مشتری را بی شباهت به هرگونه داستان منظومه عاشقانه ای
 که تا زمان او سروده شده بود، تصنیف کرد... و اثری متفاوت با آنها که از دوستی و
 محبت صمیمانه دو پسر سخن می گوید آفریده است.^۲

چنانکه از منظومه مهر و مشتری برمی آید تا هنگام نظم داستان همه گونه شعر

۱. احمد سهیلی خوانساری، دیوان اشعار خواجه کرمانی، صفحات ۷۷ - ۷۴
 ۲. ع مبارز، اقلی زاده م - سلطنت زندگی و اندیشه نظامی، ترجمه صدیق، ص ۱۶۹

بجز مثنوی سروده بود و معلوم می‌گردد که در این موقع در شاعری کامل بوده است: تو را در مدح باشد صد قصیده که هر یک هست زیب صد جریده به‌نظم آن ضمیرت درفشانده به‌باف از طبع خود دیبای دیگر دگر ره گفتم ای یار وفادار ولیکن شیخ عیسا دم نظامی به‌فکر نغز داد مثنوی داد جوابم داد و گفت‌ای نغز گفتار چو داری قدرت و هستی سخن گوی قماش فضل را از بند بگنای کنون از هرچه این معنی دهد دست چو دیدم قول بر فوق صوابش پس آنگه کردم از رو درایت

که هر یک هست زیب صد جریده
به‌دیوان برده و برکس نخوانده
بینه این نیز بر آن‌های دیگر
درین فن گرچه بر دم سعی بسیار
که بروی ختم شد شیرین کلامی
که هم صاحب درون بود و هم استاد
درخت کاهلی کفر آورد بار
ببر از روی میدان سخن گوی
مهر را از بند بگنای
به‌غیر از مثنوی در دفترت هست
خطا دیدم خصومت در جوابش
ز مهر و مشتری با وی حکایت
(اشعار از نسخه خطی مهر و مشتری ص ۱۹ - ۱۷)

۴- عارف اردبیلی

یکی دیگر از شاعران قرن هشتم عارف اردبیلی شاعر عهد سلطان اویس ایلکانی است. این شاعر نیز قدرت ابتکار داشته است و مثنوی فرهادنامه را که به‌نام شروانشاه و در موضوع خسرو و شیرین است سروده است. تاریخ ختم آن چنین است:

ز هجرت بود با عین و؟؟؟ زال سه شنبه آخر صیف اول سال (۷۷۱)
از ویژگیهای این مثنوی این است که تا حدی تحت تأثیر افسانه‌های رایج در آذربایجان قرار گرفته است. «اگر در منظومه‌های نظامی آگاهیهای تاریخی پیرامون خسرو پرویز جای گسترده‌ای گرفته، در اثر عارف اردبیلی افسانه‌های رایج در آذربایجان از جایگاه اساسی برخوردار است»^۱.

گسلستان شما دری هست که روین دژ نماید پیش او پست

بر او از سنگ دیدم صورتی چند
به خوبی در جهان بی مثل و مانند
شنیده یک به یک استاد از استاد
که هست افکار فرزندان فرهاد

۵- جامی

دومین مقلد مشهور نظامی، جامی (۸۹۸ - ۸۱۷) شاعر اواخر عهد تیموری است. تحصیلاتش در هرات و سمرقند و علوم دینی و ادبی همراه با سیر و سلوک صورت گرفت.

جامی در مثنوی سرایی از شیوه نظامی تقلید می‌کرد «وی این روش را مدیون حکیم نظامی و امیر خسرو و دهلوی می‌داند و در غالب مثنویات خود نام این دو شاعر بزرگ را به حرمت بسیار ذکر کرده است.^۱

نظامی که استاد این فن وی است	درین بزمگه شمع روشن وی است
ز ویرانه گنجه شد گنج سنج	رسانید گنج سخن را به پنج
چو خسرو به آن پنج هم پنجه شد	وز آن بازوی فکرتش رنجه شد
کفش بود زانگونه گوهر تهی	زرش ساخت لیک از زردههی
زر از سیم هرچند بهتر بود	بسی کسمر از درّ و گوهر بود
من مفلس عور دور از هنر	نه در حقه گوهرنه در صره زر
در این کارگاه فنون و فسون	ز مس ساختم پنج گنج فلوس

البته این نکته قابل ذکر است که در مورد برتری مثنوی مطلع الانوار امیر خسرو بر تحفه الاحرار جامی اختلاف نظر است؛ چنانکه مؤلف تذکره هفت آسمان مثنوی مطلع الانوار امیر خسرو را ترجیح می‌دهد و مؤلف آتشکده آذر تحفه الاحرار جامی را بر نظیره امیر خسرو رجحان می‌دهد. و می‌گوید «مولانا جامی در مراتب نظم، کمال مهارت داشته و در همه فنون سخنوری استاد است بعد از خمسه نظامی کتابی به آن امتیاز ملاحظه نشد.^۲

جامی گرچه شیوه کار نظامی را در مثنوی سرایی دنبال می‌کند و بهترین مثنویهای عاشقانه یعنی یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون را سروده است؛ اما

۱. علی اصغر حکمت، جامی متضمن تحقیقات در احوال و آثار خاتم الشعراء ص ۱۱۹

۲. همان کتاب ص ۸۲

مثنویهای او تا حدی تحت تأثیر اطلاعات خود اوست. وی سبکی عالمانه و بدور از خیال‌پردازی را در مثنویهای خود برمی‌گزیند مثنویهای جامی که به تقلید خمسه نظامی سروده شده است عبارتند از:

۱- تحفة الاحرار که در جواب مخزن الاسرار است ۲- سلسله الذهب در بحر خفیف ۳- سلامان و ابسال در بحر رمل مسدس مخدوف ۴- سجة الابرار در ذکر مقامات و سیر و سلوک ۵- یوسف و زلیخا در بحر هزج مسدس مقصود در جواب خسرو و شیرین ۶- لیلی و مجنون در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض در جواب لیلی و مجنون نظامی

جامی علاوه بر پیروی از نظامی و امیر خسرو سخن خود را در برابر آنان ناچیز می‌داند؛ چنانکه در مقدمه منشور تحفة الاحرار بدان اشاره دارد.

این شاعر در قصیده‌سرایی نیز دستی داشته است؛ چنانکه قصیده «لجّة الاسرار» او که در جواب قصیده بحر الابرار امیر خسرو سروده است و با این مطلع شروع می‌شود قابل توجه است:

چیست ز زتاب رنگین گشته خاکی ز آفتاب هر که کرد افسر ز زتاب خاکش بر سر است

۶- هاتفی خرجردی

مولانا عبدالله هاتفی (۹۲۷ - ۸۱۴) از مثنوی‌گویان اواخر عهد تیموری و آغاز دوره صفوی است. مولدش ولایت جام خراسان و محل اقامت دائمش همانجا بود. هاتفی تتبع خمسه نظامی کرده است و بنابر نقل سام میرزا در تحفة سامی «زبده شعرا و افصح فصحا» بوده و در شعر خصوصاً مثنوی‌گویی گوی مسابقت از امثال و اقراں ربوده^۱ «قاسمی گنابادی خمسه سرای عصر صفوی نیز در مقدمه منشور مثنوی‌های خود به استادی او اعتراف می‌کند.

این شاعر، به‌عنوان یک شاعر مثنوی‌گویی در همه آثارش موفق بود. «سخنش به‌جای توسل به اطلاعات علمی و فنی ساده و روان و مشحون از خیالات باریک و تشبیهات دقیق است.^۲» خمسه هاتفی عبارت است از: تمرنامه (ظفرنامه) که در

۱. به نقل از تاریخ ادبیات در ایران ج چهارم ص ۴۴۴

۲. همان کتاب

مقابل اسکندرنامه نظامی و در شرح فتوحات تیمور است. سه مثنوی دیگر او لیلی و مجنون، شیرین و خسرو و هفت منظر است، مثنوی پنجم که می‌بایست در جواب مخزن الاسرار نظامی باشد سروده نشد ولی شاعر به جای آن شاهنامه‌ای در ذکر فتوحات شاه اسماعیل ساخت.

۷- وحشی بافقی

دیگر شاعر مقلد قرن دهم و وحشی بافقی (۹۳۹ - ۹۹۱) بود. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد وحشی از جمله مقلدانی است که در تنظیم داستانهای مثنویهایی خود دارای حسن ابتکار بوده است؛ چنانکه در داستان خسرو و شیرین خود با تغییر شخصیت فرهاد او را تا حدی متمایز از فرهاد ساخته نظامی آورده است. «با قبول این نکته که منظومه وحشی تقلیدی از نظامی است و پیشرو همیشه برتری دارد به نظر می‌رسد که «فرهاد» وحشی دارای شخصیت بزرگتری است. «فرهاد» نظامی قطع نظر از نکته سنجیهای عارفانه و ادیبانه او شخصیتی ساده است و «فرهاد» وحشی هنرمندی است که برای خود قدر و شأنی قایل است^۱.

این شاعر علاوه بر دیوان سه مثنوی به پیروی از نظامی سروده است که عبارتند از: مثنویهای فرهاد و شیرین و ناظر و منظور او که به استقبال از فرهاد و شیرین نظامی است.

دیگری «خلدبرین» است که سرمشق او در سرودن این مثنوی، مخزن الاسرار نظامی بوده است. وی این مثنوی را در هشت روضه مرتب کرده است.

بنا به گفته دکتر ذبیح‌الله صفا: «مثنوی شیرین و فرهاد وحشی از شاهکارهای ادب درمانتیک فارسی است و در عهد شاعر هم شهرت بسیار یافت این مثنوی ناتمام ماند که بعدها مرحوم وصال شیرازی شاعر سده سیزدهم آن را تکمیل کرد^۲.

ای کالبد آفرین جانها	گوهرکش رسته بسیانه
ای ظرف نه آسمان عالی	در بحر تو چون حباب خالی
ای طایر عقل عرش پرواز	بی یاد خوش تو ناخوش آواز

سرمایه ده بزرگواری	ای مبدع آفریدگاری
در حلقه طاعت به تسبیح	ای قطره ابرو و ذره رنج
خلق آمده از عدم به پرواز	ای داده صلاهی جودت آواز

مکتبی نیز همچون جامی و دیگر مقلدان مشهور، به استادی نظامی و خسرو معترف است و در لیلی و مجنون خود چند بار به برتری شعر آنان اشاره دارد:

هرچند که خسرو و نظامی	دادند دو خانه را تمامی
من کاین نمط یگانه کردم	نقاشی این دو خانه کردم
هرکس که جز این دو اوستادند	هندوی منند و خانه زادند
این در که برشته ام کرده ام نو	از گنج نظامیست و خسرو

۸- مکتبی شیرازی

یکی دیگر از خمسه سرایان عهد صفوی مکتبی شیرازی شاعر اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است. وفات وی را در سال ۹۰۰ یا ۹۱۶ هجری نوشته اند.

«مکتبی از خمسه سازان معروف زمان خویش است. و لیلی و مجنون او شهرت یافته است.^۱ متأسفانه از خمسه او جز لیلی و مجنون در دست نیست و این مثنوی را در سال ۸۹۵ سروده است.

از آثار دیگر او چیزی بجز «کلمات غرا» و ابیاتی پراکنده در تذکره ها در دست نیست و آن حاوی کلمات قصار امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است، که مکتبی آنها را به شعر درآورده است.

بنابر نقل تذکره مجالس النفایس لیلی و مجنون مکتبی به غایت خوب و زیبا گفته شده است.^۲ همچنین مرحوم وحید دستجردی می گوید: «در تمام نامه های خمسه سرایان کتابی را که بعد از نظامی می توان خواند لیلی و مجنون مکتبی است که از خودش مضامین و افکار بلند دارد؛ اگرچه از ترکیبات الفاظ و ابداعات نظامی هم استفاده کرده است.^۳

۱. همان کتاب ج چهارم ص ۳۸۹

۲. عبدالحسین نوایی «لیلی و مجنون مکتبی شیرازی» مجله یادگار، شماره پنجم، سال دوم، ص ۶۰ به نقل از تذکره مجالس النفایس

۳. وحید دستجردی «لیلی و مجنون مکتبی شیرازی» مجله ارمغان شماره ۷، ۸ سال بیستم

به‌عنوان نمونه چند بیتي از آغاز لیلی و مجنون او را ذکر می‌کنیم:

ای برتر از آنچه دیده جوید	یا نطق زبان بریده گوید
ای بر احدیت ز آغاز	خلق ازل و ابد هم آواز
ای سایه مثال گاه بپیش	در حکم وجودت آفرینش

۹- هاشمی کرمانی

ولادت او در نیمهٔ دوم قرن دهم اتفاق افتاد. وی به شهر «تته» در سند رفت و ملازم درگاه میرزا شاه حسین بن امیر ذوالنون والی آن دیار «م ۹۶۲» گشت پس از اقامت در تته و سرودن مثنوی مظهر آلتار (در جواب مخزن الاسرار) خود در سال ۹۴۰ عازم ایران شد و در سال ۹۴۸ به دست راهزنان کشته شد.

هاشمی در مثنوی سرایی توانا بود. در تذکره هفت آسمان از قول والة داغستانی دربارهٔ او چنین می‌گوید: حضرتش مرجع فضلا و درگهش ملجأ غربا بوده شرح فضایلش زیاده از گنجایش تحریر و بیان کمالاتش افزون از حوصلهٔ تقریر این مثنوی (مظهر آلتار) از نتایج آن فاضل تحریر است.^۱

این شاعر با جامی نیز ملاقات داشته است و در ابتدای مثنوی خود ارادت خود را اینگونه بیان می‌کند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم	فاتحه آرای کلام قدیم
بردرم این عهد کهن پرده را	درکشم از روی سخن پرده را
در نظر آرم به هزاران نیاز	از صدف سینه گهرهای راز
باز کنم قفل طلسم سخن	عرضه دهم جوهر قسم سخن
شرح کمالات نظامی کنم	پیروی خسرو و جامی کنم

مؤلف تذکرهٔ مذکور در میان هفتاد شاعر مثنوی سرا که در جواب مخزن الاسرار نظامی برآمده‌اند، مثنوی او را در مرتبهٔ سوم (بعد از مطلع الانوار امیرخسرو و تحفة الاحرار جامی) قرار می‌دهد و معتقد است که بهتر از هاشمی کسی تحفة الاحرار جامی را جواب نگفته است.^۲

بنابراین، هاشمی بحق یکی از مقلدان خوب نظامی و دیگر بزرگان بعد از نظامی

است «مثنوی او حاوی مراتب تصوف و بیان معانی عرفانی و حکمی است. این ابیات از مثنوی مظهرالآثار هاشمی کرمانی است:^۱

مرد رهی از کجی اندیشه کن	راستی و راست روی پیشه کن
در طی این ورطه قدم تیز کن	وز خطر بادیه پرهیز کن
پای برون نه ز مضیق جهات	روی بگردان ز همه کائنات
هرکه کند روی طلب سوی او	قبله ذرات شود روی او
سفله که زر در گره مشت اوست	هردرمی ناخن انگشت اوست
گر همه در ناخن او نی کنی	نیم درم حاصل از او کی کنی؟
هرکه جفا پیشه و بد خو بود	دشمن او خوی بد او بود
هاشمی از مزرع جان توشه گیر	در چله خم شو چو کمان گوشه گیر

۱۰- خمسه سرایان عثمانی

مثنویهای داستانی و بزمی نظامی به ویژه خسرو و شیرین باعث رواج نظیره گویی در ادبیات ترک عثمانی گردید. «در ترکیه اشتیاق به جواب آرایبی در دو مرحله صورت گرفت: مرحله اول که با احمدپاشا آغاز می شود در این دوره شعرای صاحب نامی چون فضولی، ندیم و باقی را شاهدیم و دوره دوم شعری که استادان بزرگ را نمونه قرار داده و در همان شکل و طرز بیان ادای مطلب کرده اند.^۲»

الف: نظیره گویان خسرو و شیرین نظامی: این اثر نظامی تأثیر قابل توجهی در ادبیات ترک عثمانی داشته است. مشهورترین کسی که به ترجمه آثار نظامی دست زد یوسف بن سنان بود (۱۴۲۲ م) «این شخص است که او را بنیانگذار مثنوی سرایی در ادبیات ترک عثمانی می دانند و خسرو و شیرین او را قویترین نظیره هایی می دانند که بعنوان جواب به نظامی نوشته شده است.^۳» البته قبل از او شاعرانی

۱. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوس، ج پنجم، چاپ چهارم، ص ۶۶۰
 ۲. اصغر دلبری پور مقلدان و نظیره پردازان ترک خمسه، کنگره نهمین سده تولد نظامی ج ۱، ص ۵۶۹ و ۵۷۰
 ۳. اصغر دلبری پور (مقلدان و نظیره پردازان ترک خمسه) کنگره نهمین سده تولد نظامی ج ۱، ص ۵۶۹ و ۵۷۰

مانند «قطب» و فخرالدین یعقوب به ترجمه خسرو و شیرین همت گماشته بودند. ب: نظیره گویان لیلی و مجنون: معروفترین کسی که در جواب آرای این منظومه شهرت خاصی پیدا کرده است شاعری به نام فضولی است «این شاعر در صحنه سازیه و موضوع از استاد خود پیروی کرده است؛ اما در بکار گرفتن شخصیت، خود را راهنمای نگارش می سازد... لیلی و مجنون او در درجه دوم اهمیت پس از نظامی قرار دارد.^۱»

فضولی در میان شاعران پس از خود تأثیر بسزایی گذاشته است وی دیوان شعری به سه زبان ترکی، فارسی و عربی سروده است.

ج - نظیره گویان ترک مخزن الاسرار: آثار فراوانی در ادبیات ترک به سبک و سیاق اولین مثنوی نظامی سروده شده است مشهورترین این مثنویها عبارتند از: «حیرت‌الابرار نوایی، مخزن‌الاسرار حیدرخوارزمی، نقش خیال آذری ابراهیم چلبی، ریاض الجنان خباتی مصطفی، گل صدبرگ رحمی بورسوی، گلشن انوار تاشلی جالی یحیی، نفحات‌الازهار نوعی زاده عطایی و نخستین مثنوی از خمسه حیاتی قابل ذکر است.^۲»

د- نظیره گویان ترک اسکندرنامه و هفت پیکر: از مشهورترین نظیره‌های ترکی که در جواب اسکندرنامه نظامی سروده شده است «سد سکندری» نوایی و «اسکندرنامه احمدی» را می توان نام برد «در این منظومه که اولین جواب آرای است شاعر به نظم تاریخ عثمانی پرداخته است.^۳»

از میان نظیره‌های قابل ذکری که به هفت پیکر نوشته شده است سبعة سیاره نوایی، هفت پیکر «راعی هدایت‌الله، ترجمه هفت پیکر لامعی چلبی، هفت پیکر عاشقی و هفت خوان عطایی را می توان نام برد.^۴»

به حق می توان گفت نظامی از معدود شعرائی است که از دیرباز مورد توجه و عنایت خاص شاعران عثمانی بوده و تأثیرات گرانقدری بر جای گذاشته است که شایسته پژوهش و شناساندن بیشتری می باشد.

۱. قره‌خان عبدالقادر در «فضولی و مقایسه او با نظامی کنگره نهمین سده تولد نظامی ص ۶۶۴

۲. اصغر دلبری پور (مقلدان و نظیره پردازان ترک خمسه)، کنگره نهمین سده تولد حکیم

۳. همان کتاب ص ۵۸۲

نظامی ص ۱- ص ۵۶۵

۴. همان ماخذ ص ۵۸۰

فهرست منابع و مأخذ

حکمت، علی اصغر، «جامی متضمن تحقیقات در احوال و آثار خاتم الشعراء، توس، ۱۳۶۳ دستجردی، وحید «مقایسه یک شاعر فوق الطبیعه» مجله ارمغان، ش ۱، ۱۲۹۹، «لیلی و مجنون مکتبی

.....
دستجردی، وحید (لیلی و مجنون مکتبی شیرازی، مجله ارمغان، ش ۷ و ۸، ۱۲۹۹ سال بیستم

.....
دلبری پور، اصغر (مقلدان و نظیره پردازان ترک خمسه) مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده تولد حکیم نظامی به اهتمام منصور ثروت ج ۱ انتشارات دانشگاه تبریز سال ۱۳۷۰
رضازاده شفق صادق «تاریخ ادبیات ایران» یک مجلد، انتشارات آهنگ، ۱۳۶۰
زنجانی، برات «احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی» مقدمه سهیلی خواننده اری «دیوان اشعار خواجہ سعید کرمانی» چاپستان سیدری شبلی نعمانی «شعراالعجم» مترجم سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، انتشارات کتابفروشی ابن سینا

صفا ذبیح الله «تاریخ ادبیات در ایران» انتشارات فردوس، ۱۳۷۱
گلچین معانی، احمد «تذکره پیمانہ» انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۸
مبارز، ع «زندگی و اندیشه نظامی» ترجمه حسین صدیق، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۵
محمدزاده، حمید «جلوه طبیعت در شعر نظامی» مجموعه مقالات نهمین سال تولد نظامی انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰، مجلد سوم

مولوی، احمد علی احمد «تذکره هفت آسمان»، تهران، ۱۹۶۵
نجف زاده بارفروش، محمد باقر «سهم نظامی در ادبیات داستانی»، مجموعه مقالات نهمین سال تولد نظامی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۰

نخعی، حسین «مقدمه دیوان وحشی بافقی» انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱
نوایی، عبدالحسین «لیلی و مجنون مکتبی شیرازی» مجله یادگار، شماره پنجم، سال دوم نورمحمدخان «جستاری در نفوذ نظامی در شبه قاره» مجموعه مقالات کنگره بین المللی نهمین سده سال تولد حکیم نظامی ج ۳، ۱۳۷۰

وحیدیان کامیار، محمد تقی «خسرو و شیرین نظامی از دید هنر داستان پردازی» مجموعه مقالات بین المللی نهمین کنگره سده تولد حکیم نظامی ج ۳، ۱۳۷۰